

نامه‌ای از صاحب روضات

علی اکبر صفری

علامه سیدمحمدباقر بن زین العابدین موسوی خوانساری (۱۲۲۶-۱۳۱۳ق) که با کتاب ارزشمند و ستودنی‌اش روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، «صاحب روضات» شناخته می‌شود؛ این نامه را برای برادرزاده‌اش سیدمحمد بن محمدصادق بن زین العابدین موسوی خوانساری (۱۲۷۲-۱۳۵۵ق) نوشته است. شرح حال و آثار مخاطب نامه سیدمحمد موسوی خوانساری را علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی به نقل از گفته‌هایش در طبقات و الذریعه^۱ نگاشته است و همچنین فرزندش سیدمحمد مهدی موسوی کاظمی در احسن الودیعه فی تراجم اشهر شاهیر مجتهدی الشیعه یا تتمیم روضات الجنات^۲ ثبت کرده است که برگزیده آن چنین است:

سیدمحمد موسوی خوانساری در ۱۳ شعبان ۱۲۷۳ق در اصفهان زندگی را آغاز کرد پدر او سیدمحمدصادق موسوی خوانساری (۱۲۲۸-۱۲۸۹ق) برادر صاحب روضات است. پس از سال‌ها تحصیل در حوزه پربار آنجا در سال ۱۳۰۴ق از اصفهان به نجف رهسپار شد و سپس به کربلای معلی کوچید و در حوزه آنجا از حضور اساتید نامداری چون میرزا زین العابدین مازندرانی و سید ابوالقاسم طباطبائی بهره برد و به دریافت اجازه نائل آمد. پس از وفات استادش مازندرانی به درس ۱۳۰۹ق به درخواست مردم کاظمین به آن سامان کوچید و در آنجا به تدریس و اقامه نماز در صحن مطهر امام موسی بن جعفر و امام محمدتقی جواد الائمه علیهم السلام پرداخت وی سرانجام در چهارشنبه بیست و دوم محرم ۱۳۵۵ق در آن شهر در گذشت و در یکی از حجره‌های صحن شریف کاظمین به خاک سپرده شد.^۳ تألیفاتی چند از او به یادگار مانده است:

۱- السیر و السلوک فی معاشره العلماء و الملوک

^۱. طبقات اعلام الشیعه؛ نعباء البشر فی القرن الرابع عشر، آقا بزرگ تهرانی، تحقیق سید محمد طباطبائی بهبهانی (تهران، مجلس شورای اسلامی ۱۴۳۰-۱۳۸۸ق، ج ۵ ص ۲۱۶-۲۱۷ و الذریعه ج ۱۲ ص ۲۸۳ و ج ۱۹ ص ۳۶۲.

^۲. احسن الودیعه فی تراجم اشهر مجتهدی الشیعه، سیدمحمد مهدی موسوی کاظمی (بغداد، مکتبه العربیة) ج ۲ ص ۳۴-۳۸.

^۳. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: المسلسلات فی الاجازات؛ مجموعه‌الثانیه تراجم شیوخ الاجازه، سیدمحمد مرعشی (قم، کتابخانه نجفی مرعشی، ق ۱۴۱۶۹) ص ۱۶۲ زندگی حضرت آیت الله چهار سوقی، سیدمحمدعلی روضاتی (اصفهان، کتابفروشی تایید، ۱۳۳۲) ص ۱۴۲، معجم، رجال الفكر و الادب فی النجف الاشرف، محمدهادی امینی، (۱۳۱۳ق) ج ۲ ص ۵۴۷، دانشمندان بزرگان اصفهان، مصلح الدین مهدوی (اصفهان، نشر گلدسته، ۱۳۸۳) ص ۱۱۲، ضیاء الابصار فی ترجمه العلماء الخوانسار، سیدمهدی ابن الرضا (قم، انصاریان، ۱۴۲۴ق) ج ۲ ص ۴۴۹، فرزندگان خوانسار احمد رضا کشوری (قم، کنگره بزرگداشت آقا حسن خوانساری، ۱۳۷۸) ج ۲ ص ۴۴۹، دانشمندان خوانسار در کتب تراجم (قم، دفتر کنگره محقق خوانساری، ۱۳۷۸) ص ۴۱۲، اعیان الشیعه، سید محسن الامین (بیروت، دارالتعارف ۱۴۰۳) ج ۹ ص ۴۱۴، مناہج المعارف یا فرهنگ عقائد شیعه، میرسیدابوالقاسم جعفر موسوی خوانساری معروف به میرکبیر، مقدمه و حواشی میرسیداحمد روضاتی (تهران ۱۳۵۱) مقدمه ص ۲۹۳، النفحات القدسیة فی تراجم اعلام الکاظمیة، سید عادل العلوی (قم، موسسه العامة للتبلیغ و الارشاد، ۱۴۱۹) ص ۳۰۳ - ۳۰۴.

این نامه برگرفته از کتاب دست‌نویس مجمع‌الشتات ملاعلی واعظ خیابانی تبریزی (۱۲۸۲-۱۳۶۶ق) نویسنده کتاب علماء معاصرین است در این اثر همانند مجموعه‌های «جنگ» پاره‌ای از اسناد، اشعار دلنشین، فواید سودمند و ... فراهم آمده است از ارزنده‌ترین مطالب علمی آن؛ نوشته‌ها و سروده‌هایی از شیخ علی‌اکبر مروج السلام کرمانی، اثبات تواتر حدیث غدیر از واعظ خیابانی، نامه‌ای از شیخ حسن بلاغت، نامه مؤلف به مدیر مجله المرشد و پاسخ آن، نامه‌ای از علامه شیخ عبدالحسین امینی به نویسنده، نامه‌هایی از شیخ جعفر نقدی، برگرفته‌هایی از مجله دعو ة الاسلام، شرح حال و آثار سیدنجم‌الحسن موسه مدرسه‌الواعظین الکنهو، سید علی نقی تقوی و جد او سید دلدار علی هندی، اشعاری از شاهزاده محمد رحیم میرزا خلف نایب السلطنه عباس میرزا، قسمت‌هایی از کتاب مطلع‌الصباحین و مجمع‌الفصاحتین شیخ ابی‌السادات اسعد بن عبدالقاهر اصفهانی امامی، زندگی‌نامه و منتخب آثارملا مهر علی خوئی و قصیده معروف «ها علی بشر کیف بشر» و تخمیس آن ... است. این نسخه به شماره ۴۴۸۳ در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی موجود است^۴ نکته دیگر اینکه واعظ خیابانی تبریزی جنگ دیگری با همین عنوان تدوین کرده است که مطالب و موضوعات آن با نسخه ی یاد شده تفاوت دارد. اثر دوم نیز در همین کتابخانه به شماره ۴۴۸۴ ثبت شده است. این نامه را ملاعلی واعظ خیابانی در سال ۱۳۴۵ق از سیدمحمد مهدی موسوی اصفهانی کاظمی فرزند آقا سیدمحمد هدیه گرفته و متن آن را در این اثر به یادگار نوشته است.

شخص مورد اشاره در نامه حاج سیدحسن موسوی کاشانی اصفهانی واعظ ملقب به سلطان‌الواعظین (د. ۱۳۲۰ ق) یکی از واعظان مشهور اصفهان در عهد قاجار است که به دستور ظل‌السلطان مسعود میرزا (۱۲۶۶-۱۳۳۶ق) کتابی در تفسیر آیه اطاعت^۵ به نام «مواعظ حسنه» نوشت و در آن «اولوالامر» را به حکام و سلاطین تفسیر کرد^۶ و حاکم وقت ظل‌السلطان را که سنگدلی او به اندازه‌ای بود که مظفرالدین شاه هروقت می‌خواست کسی را به قساوت و بی‌رحمی مثل بزند، می‌گفت: «این آقا را نمی‌شناسید، این آقا مثل ظل‌السلطان است»^۷ چنین شخصی را واجب‌الاطاعه دانست. پس از چاپ این کتاب در سال ۱۲۹۵ق چندتن از مجتهدین بزرگ اصفهان مانند سیدمحمد هاشم موسوی خوانساری و برادرش صاحب روضات با تکفیر او، به مبارزه برخاستند. عبارت مشهور صاحب روضات چنین است: «این کاشی ناشی مشغول به دین تراشی یا در متن کفر است یا در حواشی»^۸ مرحوم محمدباقر الفت نوه دختری سیدمحمد هاشم موسوی خوانساری در این باره خاطره‌ای را تعریف می‌کند: «روزی پدر بزرگم به منزل ما آمد مادرم به پدرش عرض کرد: آقا این سیدکاشی را عفو بفرمایید و دیگر تعقیب ننمائید آقا فرمود: من با او کاری ندارم. سید برای تبرئه خود در حضور مردم یک مرتبه بگوید: استغفرالله ربی و اتوب الیه تا این صحبت‌ها درباره، او نشود».

ولی سید کاشی حاضر نشد به استغفار بر منبر برود و در حضور مردم استغفار نماید.^۹

^۴ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی ج ۱۲ ص ۶۵-۶۶.

^۵ . سوره نساء (۴) آیه ۵۹.

^۶ درباره اولوالامر، چند قول است برخی چون طبری و ابوهریره و دیگران روایت کرده اند که منظور از اولی الامر و سلاطین هستند برخی همچون جابر بن عبدالله انصاری و دیگران گفته‌اند مقصود علماء هستند ولی اعتقاد استوار شیعه بر آن است که منظور از اولو الامر خاندان عصمت و طهارت اهل بیت علیهم السلام است برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به دانشنامه قرآن و قرآن پژوهشی، بهاء الدین خرمشاهی (تهران نشر دوستان و ناهید، ۱۳۷۷) ج ۱ ص ۷۶.

^۷ شرح حال رجال ایران. مهدی بامداد (تهران، زوار، ۱۳۸۷. ش) ج ۴ ص ۹۹.

^۸ گنج زری بود در این خاکدان؛ شرح اح.ال، جمع‌آوری و تصحیح آثار منشور فارسی محمدباقر الفت، ت به کوشش لاله الفت (اصفهان نشر نوشته، ۱۳۸۸) ص ۳۹۱-۴۰۳ و ۴۲۱ و دانشمندان و بزرگان اصفهان، مصلح الدین مهدوی ج ۱ ص ۴۷۵-۴۷۶، احسن الودیعه، محمد مهدی موسوی کاظمی، (نجف، مطبعة الحیدریه، ۱۳۸۸ق) ص ۱۰۸، رجال اصفهان یا تذکره لاقبور، عبدالکریم جزئی، حواشی و ملحقات سید مصلح الدین مهدوی، (اصفهان، ۱۳۲۸ق) پارگ ص ۹۸، النهیره، سیدمحمدباقر خوانساری، تحقیق میرسید احمد روضاتی (اصفهان، حبل المتین ۱۳۷۷ ق/ ۱۳۳۷ ش) ص ۱۶۲.

سید مذکور برای تبرئه خود آن رساله را به نظر چند نفر از علمای بزرگ رسانید و از آنان خواست که نظریه خود را درباره او و رساله‌اش بنویسد، آنان او را تبرئه کرده و گفتند: مقصودش لزوم اطاعت سلطان نبوده بلکه می‌خواسته مطلب صحیحی را بیان کند ولی عبارات او نارسا بوده که باعث چنین توهمی شده است. مجموعه مکاتبات میان سید حسن کاشی اصفهانی و برخی از علماء در کتابخانه آیت‌الله گلپایگانی به شماره ۱۶۴۰ تا ۱۶۴۶ موجود است. متن این مکاتبات در شماره پنجم پیام بهارستان^{۱۰} به کوشش پژوهشگر ارجمند جناب علیرضا ابادری با عنوان «گزارشی از تلاش ملاعلی کنی در ماجرای سیدمحمدحسن کاشانی به همراه چند نامه؛ جدال دو اندیشه سیاسی در اصفهان عصر ظلل السلطان» چاپ شده است.

«نامه صاحب روضات»

در پشت مکتوب شریف صاحب روضات که نزد داعی موجود است نوشته:

بسم الله تعالی

لا ینفخ علی کل قریب و بعید و من القی و هو شهید ان هذا الخط الشریف والکتاب المنیف بقلم حضرة حجة الاسلام و المسلمین و شیخ الفقها و المجتهدین علامة العالم و فخر بنی آدم النور الزاهر عم ابی الاقا میرزا محمد باقر - قدس سره - ارسله الی و الدنا العلامة الحاج میرزا محمد و عندنا کتب بخطوطه من مولفاته و کتب العبد ابن ابن اخیه میرزا محمد مهدی الموسوی الاصفهانی الکاظمی مولف الفیوضات الربانیة و زبده الکلام و غیر همافی سند ۱۳۴۵، ج ۱۴.

« فقیر گوید چون در تقریر و تحریر عالم ربانی هر گونه فیوضات سبحانی می‌شود خاصه از همچون فاضل بی‌دلیل مثل صاحب روضات لذا خواستیم آن رقیمه شریفه را که در سند ۱۳۴۵ در مراجعت از عتبات از صاحب احسن الودیعه برسم هدیه گرفتیم مسطور آید خدا رحمت کند صاحب روضات را مثل کتابش در مکتوب رسمی هم طالب سجع و قافیه شده‌اند.

خطاب به فرزند برادرش حاج میرزا محمد آقا سلمه اله تعالی می‌نماید انشاءالله سبحانه:

جناب مستطاب عزیز موجد و جلیل موید فرزند مقام معتمد و قره‌الین اعزاز شد آقا میرزا محمد در حفظ ملک مالک مجید اوحد و ملیک سرمد صمد شادکام مقضی المرام و مرضی المنطق و الموئل و المقام باد بالنبی و آله الامجاد الاعلام علیهم آلاف التحية والسلام بعدها چونکه مراراً و کراراً خطوط سراپا مربوط به شما می‌رسید و مزید اطمینان و کمال مسرت قلبی این ضعیف البیان می‌کردید بلکه مجاهدت صائبه شما را در حفظ الغیب مشایخ السلسله و کشف العیب اعدای بدشاکله و حل بسیاری از مسائل مشکله بقوه عاقله و غیرت کامله علی سبیل التوالی می‌شنید و دعای صمیم و ثنای فوق حد الترقیم و الترسیم بوجود مثل شما که در آن حدود معالی منضود می‌نمود ولی چکنم که شکستگی بنیان و فسردهگی عنوان و بعد مکان و کثرت عوارض زمان و نوائب اوان مانع از مجاومت مکاتیب رادع از مواظبت بر دستگیری آن حبیب قلب کئیب می‌کردید و امید عفو از تقریظات در صله آن عزیز و رفع شکوی و گله آن خیر الخلف باهر التمیز دارم. با التماس بی‌شمار تحت قیاب طاهره حضرات ائمه الاطیاب و شفعاء یوم الحساب علیهم الاف التحية والسلام من جانب الملك العزيز الوهاب لهذا لازم دید که در این مرتبه بهر قسم است بدین چند کلمه غیر ملتئم تجدید عهد و تقدیم شهدی نموده باشم که عجالاً از فراموشانم نپندارند، معزز فرزندنا الحمد و المنة الی الان که حاوی عشر شهر ربیع المولود است جملگی اقارب نزدیک و دور بدعای شما قرین عافیت و سلیم از هرگونه کدورت و کسالت و ناملائمات می‌باشند. و به شما سلام می‌رسانند و التماس دعا دارند و علیا جنابان والده ماجده فوق حدالبیان از این شکسته بنیان خواهش نمودند که به شما بنویسم تاکید شدید به آمدن در اصفهان و مع هذا چون مرا اطلاع از کماهی حالات و چگونگی گذران شما در آن صفحات نمی‌باشد نمی‌توانم حکم بتی به شما نموده باشم نگاه به کار خود نمائید، اگر در آنجا گذران قانعانه می‌شود کرد چه به از آن، خاک برسر اصفهان که این روزها مصداق خسرالدنیا و الاخره می‌باشد، بلکه ما را هم به سوی خود بکشید انشاءالله فیما لیتنی کنت معکم فافوز فوزاً عظیماً و اما اگر چنین نیست و میل باینجا دارید اخبار بدهید تا حقیر انشاءالله بعلمای آنجا بنویسم که ساعی در

^۹ گنج زری بود در این خاکدان ص ۴۲۱.

^{۱۰} پیام بهارستان، دوره دوم، سال دوم، شماره پنجم، پاییز ۱۳۸۸، صص ۱۵-۷۶.

آمدن شما شوند و البته حکایت نکایت آن کاشی ناشی را شنیده اید که لله الحمد و ا لمنة تا دست از دامن ائمه امت عليهم السلام برداشته و دست تمسک بدامن اهل دنیا و عمله دیوان اعلى زده روز به روز بر نکبت روزگار او افزوده شده و (خسر هنالك المبطلون) [سوره غافر آیه ۷۸] دیگر هرگونه از مطالب تازه و مقاصد بی‌آوازه که در آن مشاهد مقدس رخ نماید و شایسته اخبار و اعلام داند انشاءالله تعالی اظهار خواهید داشت و هر که را سزاوار ابلاغ دعا و سلام دانید دعا و سلام ما لاکلام خواهید رسانید و الباقی بقاء عمرک و عزک و مجدک و غیرتک انشاءالله و السلام و رحمةالله .
سجع خاتم شریف محمدباقر بن زین العابدین الموسوی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی